

قرون وسطای ژاپن

سانشوی مباشر بازآفرینی افسانه کهن ژاپنی توسط اوگای موری است

ادبیات ژاپن

راضیه خوینی

گروه کتاب

«سانشوی مباشر»، افسانه‌ای ژاپنی با قدمت بیش از هزار سال، ما را به قرون وسطی در سرزمین آفتاب تابان می‌برد؛ دوران خرید و فروش انسان‌ها به‌عنوان برده. این داستان کوتاه ماجرای تلخ خواهر و برادری کم سن به نام آتچيو و زوشيو است؛ شاهزاده‌هایی که از بد حادثه در دام قاچاقچیان انسان می‌افتند. این روایت مخاطب را لبریز از هیجان و دلهره و گاهی دلسوزی و درد می‌کند و خواننده کتاب تمایل دارد هر چه سریع‌تر بداند در میان گرداب حوادث گوناگون و عجیب سرنوشت مادر خانواده، زن خدمتکار و این خواهر و برادر نوجوان چه خواهد شد. جذابیت این افسانه کهن اتقذر زیاد است که طی قرن‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و به دوران معاصر ما رسیده است؛ روایتی که ریشه‌ها و جوهره انسان بازمی‌گردد و شاید به همین دلیل در گذر زمان کهنه نشده و همچنان پرمخاطب باقی مانده است.

قدیمی‌ترین اشاره موجود به این حکایت مربوط به موعظه‌ای بودایی از قرن چهاردهم است که یک نسخه ادبی و حکایتی سفرموجو از آن استخراج شد. در قرون وسطی

راهبان دوره‌گرد این روایت را برای دهقانان تهیدست تعریف می‌کردند. همچنین ایتاکوها -زنان دوره‌گرد کور مشهور به احضارکنندگان روح که صدای‌شان کلمات ارواح درگذشتگان را ادا می‌کرد- این روایت را زنده نگه داشتند. این حکایت عامیانه تا امروز در سراسر جهان ریشه دوانده و به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است. معلمان سر کلاس‌های درس این داستان را برای دانش‌آموزان روایت می‌کنند و اجراهای تئاتر «سانشوی» امروزه در ژاپن مرسوم است و اپراهایی نیز بر اساس این افسانه ساخته‌اند.

وسعت نگاه اوگای موری

هیرانو کیچيرو، منتقد ادبی در مورد «سانشوی مباشر» در گفت‌وگویی در نسخه ۳۰ ژوئن ۲۰۱۹ در روزنامه «یومیوری» روند پایان داستان را عجیب ارزیابی کرده است: «ما این داستان کوتاه را به‌عنوان رنج و سختی‌های یک خواهر و برادر که طی حوادثی ناگهانی از مادرشان جدا شدند، می‌خوانیم. پس از یک سری اتفاقات تلخ و باورنکردنی، در نهایت زوشیو به پایتخت می‌رسد. در معبدی داخل یک آلاچیق می‌خوابد. صبح روز بعد، وقتی صدراعظم برای دعا کردن در انزوا به سری می‌برد، به او نزدیک می‌شود و بخت و بخت و اقبال پسرک رو به بهبودی می‌رود. زوشیو در بزرگسالی به ماسامیچی تغییر نام می‌دهد و به فرمانداری استان تانگو ارتقا می‌یابد. او خرید و فروش برده را در سراسر این استان ممنوع می‌کند.» هیرانو کیچيرو در ادامه ختم شدن ناگهانی داستان این جمله را مورد ارزیابی قرار می‌دهد: «سانشوی مباشر حالا مجبور بود تمام برده‌هایش را آزاد کند و بابت کار به آنها حقوق بدهد. انتظار می‌رفت سانشو و خانواده‌اش گرفتار ضرر و زیان فراوانی شوند، اما مقدار کار کشاورزان و صنعتگران افزایش چشمگیری پیدا کرد و به همین دلیل خانواده سانشو حتی بیشتر از قبل شکوفا شد و

کارشان رونق یافت.» این منتقد ادبی دهقانان تهیدست تعریف می‌کردند. همچنین ایتاکوها -زنان دوره‌گرد کور مشهور به احضارکنندگان روح که صدای‌شان کلمات ارواح درگذشتگان را ادا می‌کرد- این روایت را زنده نگه داشتند. این حکایت عامیانه تا امروز در سراسر جهان ریشه دوانده و به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است. معلمان سر کلاس‌های درس این داستان را برای دانش‌آموزان روایت می‌کنند و اجراهای تئاتر «سانشوی» امروزه در ژاپن مرسوم است و اپراهایی نیز بر اساس این افسانه ساخته‌اند.

هیرانو کیچيرو، منتقد ادبی در مورد «سانشوی مباشر» در گفت‌وگویی در نسخه ۳۰ ژوئن ۲۰۱۹ در روزنامه «یومیوری» روند پایان داستان را عجیب ارزیابی کرده است: «ما این داستان کوتاه را به‌عنوان رنج و سختی‌های یک خواهر و برادر که طی حوادثی ناگهانی از مادرشان جدا شدند، می‌خوانیم. پس از یک سری اتفاقات تلخ و باورنکردنی، در نهایت زوشیو به پایتخت می‌رسد. در معبدی داخل یک آلاچیق می‌خوابد. صبح روز بعد، وقتی صدراعظم برای دعا کردن در انزوا به سری می‌برد، به او نزدیک می‌شود و بخت و بخت و اقبال پسرک رو به بهبودی می‌رود. زوشیو در بزرگسالی به ماسامیچی تغییر نام می‌دهد و به فرمانداری استان تانگو ارتقا می‌یابد. او خرید و فروش برده را در سراسر این استان ممنوع می‌کند.» هیرانو کیچيرو در ادامه ختم شدن ناگهانی داستان این جمله را مورد ارزیابی قرار می‌دهد: «سانشوی مباشر حالا مجبور بود تمام برده‌هایش را آزاد کند و بابت کار به آنها حقوق بدهد. انتظار می‌رفت سانشو و خانواده‌اش گرفتار ضرر و زیان فراوانی شوند، اما مقدار کار کشاورزان و صنعتگران افزایش چشمگیری پیدا کرد و به همین دلیل خانواده سانشو حتی بیشتر از قبل شکوفا شد و

کاهش خشونت‌ها

اوگای موری در مقاله خود با عنوان «تاریخ آن‌گونه که هست و تاریخ آن‌گونه که نیست» آورده «سانشوی مباشر» اثری است که از تاریخ فاصله می‌گیرد. با این حال، مثال‌هایی که در این مقاله می‌آورد به داستان رهایی‌ناپذیر، مانند دوره زمانی اثر سن و اجداد پادشاه زوشیو و تعداد پسران جدا شده، حذف یا تغییراتی که در متن افسانه اعمال کرده، توضیحی نمی‌دهد. بنابراین ما به بررسی برخی تغییرات می‌پردازیم.

داستان اوگای موری با روایت اصلی و کهن «سانشوی مباشر» تفاوت‌هایی

چشمگیر دارد. در بازنویسی اوگای، شاهد تعدیل صحنه‌های خشونت‌آمیز هستیم. برای مثال در این حکایت ماجرای داغ زدن بر پیشانی خواهر و برادر به یک رویا تقلیل می‌یابد. مهم‌تر از آن، انتقام سخت زوشیو از سانشوی مباشر است، زیرا در افسانه اصلی صحنه‌ای وجود دارد که در آن

سابورو، پسر سوم سانشوی مباشر که خیلی بی‌رحم بود، سه روز و سه شب از صرف بریدن سر پدرش با راه‌ای از خرسد بامبو می‌کند، ولی این صحنه حذف شده. همچنین آتچيو پس از فراری دادن برادرش تا سر حد مرگ شکنجه می‌شود که این ماجرا هم به شکلی نرم‌تر روایت شده است. البته اگر این داستان برای کودکان نوشته شده باشد، حذف یا تغییر صحنه‌های بی‌رحمانه اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، اما از آنجا که مخاطب این افسانه گروه سنی بزرگسال است، شاید بهتر بود شیوه برخورد با فرد ستمگر کمی متفاوت‌تر باشد. در نتیجه، به نظر



می‌رسد نکوهش و تقبیح برده‌داری در نیمه راه به پایان می‌رسد. همچنین درباره حذف صحنه انتقام می‌توان گفت نوعی آشتی ضمنی بین زوشیو و سانشوی مباشر وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد هدف اصلی اوگای موری خلق اثری هماهنگ، ملایم و آسان‌خوان بوده است.

از طرفی تیزبینی خاص اوگای موری در این روایت پنهان است، بنابراین شاهدیم که حیات این افسانه کهن در بیان احساسات افراطی به دام می‌افتد. اما اوگای با زیرکی تضادهای موجود در روایت اصلی را محو می‌کند و روایت خود را با گرد هم نشاندن شخصیت‌های متضاد در دنیایی مدرن، متعادل و آرام بازآفرینی می‌کند. با این حال، اگر این نکته را کنار بگذاریم، آنچه در مورد کار اوگای غیرقابل قبول است، نادیده گرفتن ساختار مذهبی فضای داستان؛ جنبه بودایی، صومه و منطق روایت است؛ یعنی دگرگونی و تجدید حیات. اوگای موری با تغییر



و در عین حال یک جمع‌بندی کلی از مطالبی که روایت کرده ارائه می‌دهد: «همان‌طور که با این اطلاعات مختلف آشنا می‌شدم، علاقه‌ام به

رمان تاریخی‌ای که برایش برنامه داشتم افزایش می‌یافت. درباره جنبه‌های شکوفاه‌های یوشینو؛ فرو رفتگی‌های مرموز کوهستان؛ پادشاه جوان؛ کوسونوکی جیرو ماساهیده؛ جواهر مقدس مخفی در غار؛ سری که خوشش از میان برف جهید. یک نویسنده نمی‌تواند موضوعات بهتری از اینها پیدا کند...»

تانیزاکي به نگاهی خطی به روایتش بسنده نمی‌کند؛ او از حال حاضر خودش و غلابیش می‌نویسند؛ به تاریخی دور بازمی‌گردد؛ از دل مکان‌هایی که به آنها سفر می‌کند و تاریخچه و اسراری را بیرون می‌کشد؛ از سنت‌های خاص مردم برخی مناطق و شیوه امرار معاش آنها مثل ساختن گاغد به روش دست‌ی می‌گوید. این بازی با روایت‌های گوناگون ادامه دارد تا به شرایط فعلی خودش و کشف نهایت نویسنده به این نتیجه کلی می‌رسد: «هیچ وقت رمان تاریخی‌ای را که برایش برنامه داشتم ننوشتم؛ محتوایش بیشتر از حد توانم بود...»

نگاهی انتقادی به سبک تانیزاکي، یوکو میشیما، نویسنده مشهور ژاپنی، استدلال می‌کند: «تانیزاکي یک پسر شهری بود که از مسائل ساده‌لوحانه تفر داشت. او مشکلات خود را نشان نمی‌داد و مردی بود که تا حد امکان شکست خورده به نظر می‌رسید و در نوبت تانیزاکي به‌عنوان یک رمان‌نویس، می‌گوید: «آثار او، با وجود زندگی در دورانی آشفته، حاوی هیچ‌گونه انتقاد از حال‌و‌هوای نیست و کاملاً با ماهیت واقعی تانیزاکي بی‌ارتباط هستند. بنابراین نوشته‌هایش آن چیزی نیستند که در وجود خودش جریان دارد. دنیای ادبی تانیزاکي چنان از سرنوشت زمانه و تاریخ بی‌بهره است که تا حدودی غریب‌بعینی به نظر می‌رسند.»

برخی منتقدان معتقدند، تانیزاکي تکنیک روایی «یوشینو: افسانه درباره جنبه» را از «راهبه کاسترو» اثر استاندال الهام گرفته است؛ چراکه تانیزاکي در سال ۱۹۲۸ بخشی از یک مجموعه ایتالیایی را ترجمه و منتشر کرد. روای داستان استاندال مثل روای «یوشینو: افسانه درباره جنبه» را در جست‌وجوی حقیقتی است که تاریخدان‌های متعصب آن را لاپوشانی

دادن ساختارها و فضای داستان برخی نکات را در مقایسه با افسانه اصلی نادیده می‌گیرد.

در واقع شاهزاده زوشیو با فرار از سلطه سانشوی مباشر، از کوکوبونجی در استان تانگو به توجی در استان ستسو سفر می‌کند، جایی که جایگاه پست بردگی را رها می‌کند. سپس به معبدی که مکان مقدس بودائیان است، پناه می‌برد و این نقطه نظهر، تجدید حیات و تولد دوباره اوست.

پس از تطهیر از زندگی حقیرانه به‌عنوان فرماندار ۵۴ شهرستان دوباره متولد می‌شود. توجی در واقع مکانی مهم و نقطه عطف داستان است که در یک چشم به هم زدن، او در این مکان از دنیای پست به جایگاهی والا قدم می‌گذارد و روح و جسم پسرک ارتقا می‌یابد. دگرگونی و تجدید حیاتی که در این مکان اتفاق می‌افتد، همان چیزی است که ما آن را ساختار و منطق قصا در موعظه می‌نامیم. نقشی که فضای توجی در «سانشوی مباشر» ایفا می‌کند، یعنی فضایی که درام دگرگونی و تجدید حیات در آن اتفاق می‌افتد -به تعبیری بخش کلیدی اثر- در نوشته اوگای نادیده گرفته شده و چندان به آن پرداخته نشده و همین روایت را از روح افسانه اصلی دور کرده است.

این درام دگرگونی و تجدید حیات از فرودست به والا را می‌توان به عنوان

جراح داستان‌پرداز

اوگای موری (تولد ۱۷ فوریه ۱۸۶۲- درگذشت ۹ ژوئیه ۱۹۲۲) با نام واقعی هایاشی تارو، پسر پزشکی از طبقه اشرافی سامورایی بود. او در شهر تسوانو، ناحیه کاموآشی، استان ایوامی متولد شد. خانواده او نسل‌ها پزشک رسمی قبیله کامایی در قلمرو تسوانو بودند و تحت‌تأثیر این امر، اوگای نیز وارد دوره مقدماتی در دانشکده پزشکی ناحیه دانشگاه اول (دانشکده پزشکی امروزی، دانشگاه توکیو) شد. سپس او به خواسته والدیش عمل کرد و جراح ارتش شد. از سال ۱۸۸۴ او به مدت پنج سال در آلمان تحصیل کرد و بهداشت و سایر موضوعات را آموخت. سپس در سال ۱۸۹۰ داستان «قصده» را منتشر کرد؛ روایتی که بیشتر از تجربه شخصی خودش در برلین نشأت می‌گرفت؛ یک دیپستی ناخوشایند میان دختری آلمانی و یک دانشجوی ژاپنی. این داستان تنگ‌دهنده فاصله گرفتن قابل توجه از داستان‌های غیرشخصی نسل‌های قبل بود و به ترویج افشاکاری‌های زندگیاانه‌ای در میان نویسندگان ژاپنی دامن زد. «گان» محبوب‌ترین رمان اوگای بود. داستان عشق اعلام نشده معشوقه یک ریاخوار به یک دانشجوی پزشکی که هر روز از کنار خانه‌اش می‌گذشت. اوگای همچنین رمان زندگیاانه‌ای «بده‌پردازان» اثر هانس کریستین اندرسن را ترجمه کرد. او بعداً به مقام جراح کل ارتش رسید، اما میل او به خلق آثار ادبی هرگز فروکش نکرد و آثار شاخصی مانند «تاکاسه‌یونه» و «قیبله‌آبه» را منتشر کرد.



یوشینو

افسانه درباره جنبه

- نویسنده: جون نیچیرو تانیزاکي
- مترجم: فرشاد صحرایی
- انتشارات: رایبد
- تعداد صفحات: ۹۶ صفحه
- قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

کاملاً متضاد است. استاندال عاشقانه خود را در محدوده یک دیستوپایی اخلاقی قرار می‌دهد، تانیزاکي در عوض آن را در فضایی آرمان شهری می‌پچد.

راوی روح سنتی ژاپن

جون نیچیرو تانیزاکي سال ۱۸۸۶ در نیهوناشی توکیو در خانواده‌ای که صاحب یک جایخانه بودند متولد شد. او که دانشجوی انصرافی دانشکده ادبیات ژاپنی از دانشگاه سلطنتی توکیو بود، نوشتن آثار خلاقانه را از دوران دانشجویی آغاز کرد. مجله ادبی «شینشیچو» را تأسیس و اولین اثرش نمایشنامه‌ای تک‌برده‌ای را در آن منتشر کرد. این اثر توسط ناگای کافو، رمان‌نویس نامی آن دوران در مجله «میتا یونگاکو» بسیار مورد تحسین قرار گرفت و جای پای تانیزاکي را به‌عنوان نویسنده نوظهور در دنیای ادبیات محکم کرد. آثار او، مانند «خاک‌گویی‌ها» هم با استقبال گسترده مخاطبان و جامعه ادبی مواجه شد. در ابتدا، او با سبک‌های غربی علاقه داشت، اما پس از زلزله بزرگ کانتو و نقل مکان به منطقه سنتی و خلوت کانسای، به‌تدریج به نویسندگی کاملاً ژاپنی گرایش پیدا کرد. او با استفاده از زبان سنتی ژاپنی، سبک نوشتاری تانیزاکي را به‌عنوان نویسنده نوظهور در دنیای ادبیات محکم کرد. آثار او، مانند «یوشینو: افسانه درباره جنبه» را در سال ۱۹۲۳ نوشته شدند؛ از جمله «ناثومی» (۱۹۲۴)، «گزنه‌ها» (۱۹۲۹)، «آشیکاری» (۱۹۳۳)، «بزنه شوکین» (۱۹۳۳)، تاریخچه مخفی ارباب موساشی (۱۹۳۵)، «چند بازنویسی مدرن از داستان گنجی» (۱۹۴۱)، «۱۵۴۶ و ۱۹۶۵» و «خواهران ماکیکو» (۱۹۴۹)، «مادر کاپیتان شیگموتو» (۱۹۵۶)، «کلید» (۱۹۵۶) و خاطرات یک پیرمرد دیوانه (۱۹۶۱). در سال ۱۹۴۹ نیز موفق به دریافت نشان فرهنگ شد و جایزه امگرلاتوری برای دستاوردهای فرهنگی به او اهدا شد. در سال ۱۹۶۵ نیز اولین ژاپنی عضوافتخاری آکادمی مؤسسه ملی هنر و ادب آمریکا شد. تانیزاکي در همان سال درگذشت.

